

مسلمانان، ناگزیر از برخورد با جریانهای رقیب بوده است (نک: قسام، 115-116، 82-83؛ نانجی، 66، 63). از سوی دیگر، وی برای جذب هندوان به آیین اسماعیلی نیز ناچار به تلفیق برخی عناصر جهان‌بینی هندویی، به ویژه ویشنوی، با اندیشه اسماعیلی بود که ردپای آن در گناهای منسوب به او مشهود است (نک: قسام، 103-111).

در هر حال، فعالیت تبلیغی پیرشمس‌الدین موجب گرایش عده کثیری به آیین اسماعیلیه نزاری شد. در ایالت پنجاب امروزی، گروهی از اسماعیلیان نزاری که به «شمسی» معروف‌اند و بیشتر به حرفه زرگری اشتغال دارند، براساس روایتهای سنتی خود، تغییر آیینشان را مرهون پیرشمس‌الدین می‌دانند (نانجی، 66-67؛ دفتری، 478-479).

در ملتان مقبره‌ای وجود دارد که به مقبره شمس تبریز مشهور است و مردم آن را مقبره «شاه شمس» می‌خوانند؛ اما با توجه به شواهد تاریخی محتمل است که این مقبره متعلق به پیر شمس‌الدین باشد (قسام، 78؛ نانجی، 62-63).

مأخذ:

Daftari, F., *The Ismā'īlīs: Their History and Doctrines*, Cambridge, 1995; Kassam, T. R., *Songs of Wisdom and Circles of Dance*, New York, 1997; Nanji, A., *The Nizārī Ismā'īlī Tradition in the Indo-Pakistan Subcontinent*, New York, 1978.

عظیم نانجی

پیر صدرالدین، داعی برجسته اسماعیلی در شبه قاره هند، که در ترویج اسلام و تقویت دعوت اسماعیلیه نزاری نقش مهمی داشت. درباره جزئیات زندگی وی اطلاع چندانی در دست نیست و بر اساس روایاتی از منابع گوناگون، تنها می‌توان دوره زندگی او را در فاصله نیمه دوم سده ۸ و نیمه اول سده ۹ ق/۱۴-۱۵م در نظر گرفت (ایوانف، ۱۷۷؛ نانجی، 72-74). بنا بر همین روایات، پیرصدرالدین از اخلاف محمدبن اسماعیل، نواده امام جعفر صادق (ع) بود که در سلک علما در سبزوار می‌زیست، اما به سبب علاقه به اسلام شاه، از ائمه نزاری قاسم شاهی، نزد او آمد و پس از چندی در سنین کهولت توسط او به هندوستان فرستاده شد، تا به عنوان داعی اسماعیلی نزاری کار دعوتی را که داعیان پیش از او آغاز کرده بودند، پی‌بگیرد (نک: شاه‌حسینی، ۱۹-۲۰). شایان ذکر است که در این هنگام امامان اسماعیلی ساکن انجدان، در مرکز ایران بودند و فعالیت‌های تبلیغی خود را از آنجا رهبری می‌کردند.

زمان تقریبی ورود پیرصدرالدین به سند، ظاهراً در اواخر سده ۸ ق و مقارن با هنگامی است که حکومت مسلمانان در شمال هند مستقر شده بود و جامعه مسلمانان آنجا به تدریج قوی‌تر و منسجم‌تر می‌گشت. در این هنگام بود که داعیان، میلغان و صوفیان بسیاری به هندوستان مهاجرت کردند و در آنجا ساکن شدند. پیرصدرالدین فعالیت تبلیغی خود را در میان

سفرنامه حاجی پیرزاده در ۱۳۴۲ش به کوشش حافظ فرمانفرمایان و با مقدمه ایرج افشار به چاپ رسیده است.

مأخذ: اعتمادالسلطنه، محمدحسن، *المآثر والآثار*، تهران، ۱۳۶۳ش؛ افشار، ایرج، «ادوارد براون و حاجی پیرزاده نائینی»، *یغما*، تهران، ۱۳۳۳ش، س ۷، ش ۹، همو، «حاجی محمدعلی پیرزاده»، *سواد و بیاض*، تهران، ۱۳۴۴ش؛ بامداد، مهدی، شرح *حال رجال ایران*، تهران، ۱۳۵۷ش؛ بلاغی، عبدالحجّت، *تاریخ نائین*، تهران، ۱۳۶۹ق؛ پیرزاده نائینی، محمدعلی، *سفرنامه*، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران، ۱۳۴۲ش؛ *دایرةالمعارف تشیع*، به کوشش احمدصدر حاج سیدجوادی و دیگران، تهران، ۱۳۶۶ش؛ سپهر، عبدالحسین، *مرآت الوقایع مظفری*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، ۱۳۶۸ش؛ صدیق، عیسی، «صدمین سال ولادت براون»، *راهنمای کتاب*، تهران، ۱۳۴۱ش، ش ۲؛ معصوم‌علیشاه، محمد معصوم، *طرائق الحقائق*، به کوشش محمد جعفر محبوب، تهران، ۱۳۱۸ش.

منبذه ربیعی

پیرشمس‌الدین، از نخستین داعیان اسماعیلی نزاری در هندوستان که ظاهراً در سده‌های ۶ و ۷ ق/۱۲ و ۱۳م در سند و اطراف ملتان فعالیت تبلیغی داشته است. روایات مربوط به زندگی پیرشمس در قالب اشعاری با عنوان «گنان» آمده است. گناها که بخش مهمی از ادبیات دینی نزاریان هند را تشکیل می‌دهند، محتوایی دینی و اخلاقی دارند و در عین بیان اصول اعتقادی نزاریان، آکنده از حس سرسپردگی و اخلاص‌اند. در این اشعار، شرح زندگی پیرشمس‌الدین چنان با افسانه‌ها و حکایات گوناگون آمیخته است که بازسازی واقعیتهای تاریخی از میان آنها بسیار دشوار می‌نماید. به علاوه، آمیختگی روایتهای مربوط به زندگی او با داستانهای مربوط به شمس تبریزی، مراد مولانا جلال‌الدین رومی، و شمس‌الدین محمد (د ح ۷۱۰ ق/۱۳۱۰م)، نخستین امام نزاری پس از دوره الموت و فرزند رکن‌الدین خورشاه، نیز این بازسازی را دشوارتر می‌کند (نک: قسام، 94-75).

آنچه از خلال این روایتها و افسانه‌ها و نیز شجره‌نامه‌های گوناگون پیران اسماعیلی در هند می‌توان دریافت، این است که پیر شمس‌الدین در دوره پیش از سقوط الموت برای ادامه دعوت اسماعیلی، از ایران (احتمالاً سبزوار) به هند فرستاده شد و پس از رسیدن به سند، در جامعه‌ای آمیخته از مسلمانان و هندوان فعالیت خود را آغاز کرد (نانجی، 63-68؛ قسام، 94، 115، 122؛ دفتری، 478). شایان ذکر است که نفوذ دعوت اسماعیلی در شبه قاره هند، از دوره فاطمیان آغاز شده بود و همچنان ادامه داشت. از اشاراتی که در گناها آمده است، می‌توان دریافت که پیر شمس‌الدین با ورود به ملتان جامعه‌ای از مسلمانان را یافت که طریقه‌های تصوف از پیش، در آن جایگاهی استوار و پیروانی بسیار داشتند. در روایتهای متعدد به مواجهه پیرشمس با بهاء‌الدین زکریای ملتانی (ه م)، عارف برجسته طریقه سهروردیه، و رقابت میان آنها اشاره شده است و این دست‌کم بیانگر این نکته است که پیرشمس برای یافتن جای پای در میان